

رفتارهای اجتماعی امام رضا (ع)

حجت الاسلام والمسلمین سید سجاد ایزدهی*

اشاره

انسان، موجودی اجتماعی بوده و در زندگی خویش ناگزیر از ارتباط و تعامل با دیگران است؛ چنانکه رشد و تأمین سعادت آدمی، در گرو توسعه همه‌جانبه جامعه بوده، تعالی جامعه نیز در گرو رفتارهای اجتماعی افرادی است که در آن زندگی می‌کنند.

جوامع مختلف، متناسب با مبانی فرهنگی و ارزشی خویش، اهداف مختلفی را برای سعادت فردی و اجتماعی انسان در نظر می‌گیرند و همین امر، موجب شده است که این جوامع، گونه متفاوتی از رفتار اجتماعی را برای انسان‌ها توصیه کرده و در نتیجه، سبک‌های گوناگونی از زندگی اجتماعی شکل بگیرد.

مطابق آموزه‌های غربی، سبک زندگی مادی غرب و رفتارهای اجتماعی شهروندان آن، در سایه اموری چون: تأمین رفاه و آسایش، کسب لذت، تکاثر اموال و سلطه بر دیگران معنا می‌یابد؛ اما دین اسلام، با عنایت به آموزه‌هایی که در کتاب و سیره اهل بیت (ع) ارائه شده است، گونه‌ای متمایز از رفتارهای افراد را در عرصه اجتماع سفارش نموده است.

گرچه فهم مبانی، مؤلفه‌ها و راهکارهای رفتاری در این سبک زندگی اجتماعی را می‌توان در آموزه‌های قرآنی و روایی جست‌وجو کرد، اما از آنجا که این بخش از سبک زندگی عمدتاً در سایه رفتارهای انسانی جلوه‌گر می‌شود، فهم و دست‌یابی به این گونه از سبک زندگی، به دنبال بازخوانی جنبه‌های زندگی برخی الگوهای رفتاری، آسان‌تر و عملی‌تر خواهد بود.

الگوهای متعددی به عنوان شاخص رفتارهای مطلوب اجتماعی در مکتب اسلام وجود دارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به سیره انسان‌ساز پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اشاره کرد که با توجه به معصوم بودن ایشان، رفتارهای بی‌نظیر اخلاقی و انسانی از آن بزرگواران به یادگار مانده و تاسی به آنها به سلامت ظاهری و معنوی جامعه می‌انجامد. البته هم‌جهت بودن رفتارهای اهل بیت (ع)، منافاتی با این نکته ندارد که بعضی از پیشوایان دین اسلام در شرایط خاص، رفتاری متفاوت با برخی دیگر از امامان انجام داده‌اند.

از جمله امامانی که رفتارهای ایشان، الگویی مناسب در سبک زندگی اجتماعی به شمار می‌رود، امام رضا (ع) است که از نظر حضور در عرصه‌های مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی، جلوه‌های فراوانی از رفتارهای ایشان، ثبت شده است. این نوشتار درصدد است تا ضمن بازخوانی برخی رفتارهای امام رضا (ع)، سبک و روشی خاص از زندگی اجتماعی را به منظور پیروی شیعیان در زندگی‌شان ارائه نماید.

مبانی رفتارهای اجتماعی

دین اسلام، بیشتر از اینکه دارای آموزه‌های فردی و اخلاقی باشد، ارائه‌دهنده آموزه‌های اجتماعی و سیاسی است و معمولاً اهداف این آیین کامل الهی، از بستر اجتماع گذر می‌کند. بر این اساس، بسیاری از مبانی دین اسلام ضمن تأکید بر حضور مؤثر در جامعه، بر رویکرد و راهکارهای خاصی عنایت دارد که به رفتارهای مطلوب در جامعه می‌انجامد. در اینجا با توجه به سیره امام رضا (ع) به شماری از این مبانی می‌پردازیم.

۱. رعایت کرامت انسانی

ارج نهادن به حقوق انسانی، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و عالمان در فرهنگ‌های مختلف بوده است. از این رو، امروزه همگی بر اصل عدم تبعیض و برابری انسان‌ها توافق دارند. البته جهان غرب که مدعی شعار حقوق بشر است، در سال‌های دور (قرون وسطی) مهد تبعیض میان افراد بشر بود و حال آنکه در همان زمان، آیات و روایات اسلامی، بر کرامت و حفظ جایگاه انسانی به دور از هر گونه تبعیض تأکید می‌نمود؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۱ ای مردم! ما همه شما را از مرد و زن

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

آفریدیم و آنگاه گروه‌های مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شما است.»

بنابراین، در حالی که عالمان دینی غرب که با امام رضا(ع) هم‌عصر بودند، به بهانه‌های واهی، تبعیض میان مردمان روا می‌داشتند، اما آن امام همام، بر این باور بود که انسان‌ها بندگان خداوند و منشأ کمال الهی ایشان، ارتباط با خداوند و دست یابی به فضیلت‌های انسانی است و ملاک برتری افراد بر یکدیگر، نه رنگ، نژاد، سرمایه و جایگاه اجتماعی، بلکه ارتباط با خداوند است.

اباصلت می‌گوید: به امام رضا(ع) عرض کردم: مردم می‌گویند: «شما مردمان را بندگان خود می‌شمارید!» امام(ع) ضمن اینکه این سخن را ادعا و اتهام برشمرد، فرمود: «اگر مردمان بردگان ما هستند، ما آنان را از چه کسی خریده‌ایم؟»^۱

اقتضای کرامت انسانی این است که مردم به دلیل بالا یا پایین بودن جایگاه اجتماعی شان، نباید از امتیاز خاصی بهره‌مند بوده یا بی‌بهره باشند. از این رو، هیچ‌گاه امام رضا(ع) به غلامان و بردگان خود بد نگفت؛ بلکه هنگامی که سفره انداخته می‌شد، همه غلامان و خادمان، حتی دربان و میرآخور را به سفره غذا می‌نشاند.^۲

از عبدالله بن صلت نقل شده که: «من در سفر امام رضا(ع) به خراسان، در خدمت ایشان بودم. دستور فرمود که سفره غذا را پهن کنند. در کنار سفره ایشان، تمام غلامان آن حضرت از سیاهان و غیر آنها گرد آمدند. من به آن جناب عرض کردم: فدایت شوم. کاش برای اینها سفره جداگانه‌ای انداخته می‌شد. امام(ع) فرمودند: پروردگار ما، یکی است و پدر و مادر ما هم یکی، و پاداش همه بر اساس کردار است.»^۳

«هرگز اتفاق نیفتاد که امام رضا(ع) در سخن گفتن به کسی جفا کند. هر که با او گفت- و گو می‌کرد، کلامش را قطع نمی‌کرد و فرصت می‌داد تا آخرین سخن خود را بگوید. اگر کسی حاجتی نزد او می‌آورد، در صورت امکان ابداً او را مأیوس نمی‌کرد. ندیدم در

۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۱۵۹.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳۰.

حضور کسی پایش را دراز کند و تکیه بزند. سراغ ندارم که به غلامانش ناسزا بگوید. ندیدم آب دهان را به زمین بیندازد و با صدا و قهقهه بخندد؛ بلکه تنها تبسم می‌کرد.^۱ با عنایت به اینکه مطابق سیره امام رضا(ع) انسان‌ها از نظر حقوق جامعه و رعایت شرف انسانی، نسبت به هم برتری ندارند، ایشان مراعات کرامت انسانی نسبت به پیروان ادیان و فرق مختلف را نیز مد نظر قرار داده و رفتار آن حضرت با آنان، عادلانه، عاقلانه و مبتنی بر انصاف، انسانیت و مهرورزی بود؛ برای مثال، یاسر، خدمت گزار امام(ع) می‌گوید: «از نیشابور نامه ای به این مضمون به مأمون رسید که مردی زرتشتی، هنگام مرگ وصیت کرده تا ثروت فراوانی را که از او باقی مانده، میان فقرا و بینوایان تقسیم کنند. قاضی نیشابور، آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. امام رضا(ع) در پاسخ به سؤال مأمون در این خصوص فرمود: زرتشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند. نامه ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات مسلمانان بردارد و به بینوایان زرتشتی بدهد.»^۲

۲. اخلاق و مهرورزی

از امور اساسی که می‌تواند مبنای همه رفتارهای اجتماعی مطلوب محسوب شود، مهرورزی و مراعات اخلاق با مردمان است. از این رو، دین اسلام، این رفتار را سرلوحه دستورات خویش قرار داده و افراد را به آن دعوت کرده است؛ بلکه برترین رهبران دینی اسلام، بیشترین مهرورزی‌ها را در جامعه نسبت به مردم انجام داده‌اند؛ به گونه‌ای که خداوند پیامبر خویش را بدین صورت خطاب می‌نماید که: «لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَلْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»^۳ اگر تو خشن و دل‌سخت بودی، مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند.»

امام رضا(ع) نیز در اخلاق همچون جدّ بزرگوارش، رسول خدا(ص) بود. مرحوم آیه الله اصفهانی در این باره سروده است:

۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۷، ص ۱۶.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

«يُمَثِّلُ النَّبِيَّ فِي أَخْلَاقِهِ، فَإِنَّهُ النَّابِتُ مِنْ أَعْرَاقِهِ»^۱ در اخلاق او، پیامبر (ص) جلوه گر می شود؛ چرا که او برخاسته از ریشه های نبوی است.»

از همین رو، ایشان با مردم ارتباطی نزدیک برقرار کرده و با آنها انس می گرفتند و منزل آن حضرت، معمولاً محل رفت و آمد مردم بود و اقشار مختلف با ایشان هم سخن می شدند. بر اساس شهادت تاریخ، امام رضا (ع) هیچ گاه کسی را به دیده تحقیر مورد خطاب قرار نداده و محبت خود را از اطرافیان دریغ نمی داشتند. چهره گشاده و متانت و مهربانی که از ایشان فراوان دیده می شد، سبب شده بود که مردم بدون مشکل و واسطه، آن امام (ع) را ملجأ خویش دانسته و مشکلات خود را با ایشان در میان می گذاشتند.^۲

ایشان محبت و اظهار دوستی نسبت به مردم را نیمی از عقل معرفی کرده،^۳ در برخی ادعیه ای که از حضرتش رسیده، خواهان بخشش، رحمت و خیرخواهی برای مردم بوده است؛ از جمله، ایشان چنین دعا فرموده اند:

«ای خدای کریم، از تمام مردان و زنان مؤمن که از مشرق تا مغرب زمین به سر می برند، درگذر و آنان را بیامرز.»^۴

اهمیت رأفت و مهربانی با مردم و عشق و محبت نسبت به ایشان، به گونه ای است که در زیارت نامه آن حضرت نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ آنجا که می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ؛^۵ سلام و درود بر پیشوای با رأفت و مهربان.»

امام رضا (ع) و رفتارهای اجتماعی

رفتارهای اجتماعی، در گستره اجتماع ظهور و بروز می یابند و از این جهت، در برابر رفتارهای فردی قرار می گیرند؛ اما با عنایت به اینکه انسان ها دارای ویژگی های متفاوتی

۱. اصفهانی، محمدحسین، دیوان الأنوار القدسیة، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۹۹.

۲. قائمی، علی، در مکتب عالم آل محمد؛ علی بن موسی الرضا (ع)، تهران: امیری، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۱.

۳. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۳.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹، ص ۱۱۷: «يَا كَرِيمُ اغْفِرْ لِمَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.»

۵. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، پیشین، زیارت امام رضا (ع).

بوده و جایگاه هر فرد در جامعه، مقتضی گونه مختلفی از رفتار اجتماعی است، با در نظر داشتن رفتار امام رضا(ع) از این لحاظ، می‌توان درکی بهتر از رفتارهای آن حضرت به دست آورد و الگویی مناسب برای افراد در این جایگاه‌ها ارائه کرد.

الف- رفتار در جایگاه عالم

اگرچه عالمان همواره شخصیت‌های فرهیخته‌ای بوده و به جهت نوع دانش و جایگاه شان، مورد قبول جامعه هستند، اما رویکرد عالمان در مقام فراگیری یا انتقال دانش، باید واجد الگویی باشد که در نهایت موجب شود، فضای رفتارهای آنان، از هر گونه درگیری و خللی به دور بوده و به اخلاق و خرد مزین باشد.

از این رو، رفتار امام رضا(ع) که به دلیل انبوه دانش و مناظراتش با اهالی ادیان و مذاهب دیگر، به «عالم آل محمد(ص)» معروف شده است، بسیار در خور توجه است. امام رضا(ع) وقتی در جایگاه مناظره و مواجهه علمی با اندیشمندان و رهبران فکری گروه‌ها، ادیان و مذاهب مختلف عصر خود قرار می‌گیرد، با کمال احترام به یکایک پرسش‌ها، شبهات و مسائل آنان پاسخ داده و علاوه بر اینکه از حیث علمی بر دانشمندان غلبه یافته‌اند، رفتاری اخلاق‌مدار در مباحثه علمی را نیز برای همه عالمان به یادگار گذارده‌اند که در ذیل، به برخی از این رفتارهای اخلاقی و منطقی می‌پردازیم:

۱. استقبال از نظر مخالف

زمانی که غرب در قرون وسطی، سیر انحطاطی را در عرصه علم و فرهنگ می‌پیمود و فلسفه اسکولاستیک کلیسا، سیطره مستبدانه خویش را بر سایر نظرات علمی حاکم کرده و دیدگاه علمی دیگر را برنمی‌تابید، اندیشه اسلامی با راهبری امام رضا(ع) ضمن تبلیغ و ترویج دیدگاه اسلام اصیل، نه تنها در مواجهه با اندیشه‌های مخالف بر نمی‌آشفت، بلکه با رویی گشاده و آغوشی باز، هر اشکال و شبهه‌ای را پاسخ داده و سلطه فرهنگی خود را نه در حذف رقیب، بلکه در رویارویی عالمانه با اندیشه‌های مخالف و پاسخ مناسب به آنان جست‌وجو می‌کرد. این رویکرد اسلامی که از سوی امام رضا(ع) پی‌گیری می‌شد، نتایج مطلوبی را دربرداشت که از آن میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تأکید بر تبادل اندیشه و رواج منطق آزادی فکر و بیان؛

- رویکرد تقابل با مکاتب فکری مخالف و اثبات حقانیت اسلام در سایه شیوه ای منطقی، عقلی و علمی؛
- ارائه الگوی رفتاری مطلوب در خصوص تعامل با پیروان سایر ادیان و مذاهب.

۲. التزام به اخلاق گفت‌وگو

نوع بیان و ادبیات ارائه شده از سوی امام رضا (ع) در مناظرات با سران ادیان مختلف، نمایانگر شیوه‌ای از بحث است که مطابق آن، ایشان ضمن پرهیز از هر گونه خودرأیی و کوچک کردن طرف مقابل یا سخیف شمردن منطقی وی، در فرایند اخلاق مداری و صبر و بردباری، به روشنگری در خصوص معارف الهی پرداخته و شخص مقابل را در پذیرش یا عدم پذیرش آن، آزاد می‌گذارد.^۱
رویکرد اخلاقی و مدل رفتاری در سیره حضرت امام رضا (ع) در برابر اندیشمندان را می‌توان در شعر منسوب به امام رضا (ع) مشاهده کرد که در پاسخ به درخواست مأمون انشاد کرده‌اند:

«إِذَا كَانَ دُونِي مَنْ بَلِيْتُ بِجَهْلِهِ

أَبَيْتُ لِنَفْسِي أَنْ تُقَابَلَ بِالْجَهْلِ

وَإِنْ كَانَ مِثْلِي فِي مَحَلِّي مِنَ النَّهْيِ

أَخَذْتُ بِحِلْمِي كَيْ أُجِلَّ عَنِ الْمِثْلِ

وَإِنْ كُنْتُ أَدْنَى مِنْهُ فِي الْفَضْلِ وَالْحِجْبِي

عَرَفْتُ لَهُ حَقَّ التَّقَدُّمِ وَالْفَضْلِ»^۲

«اگر گرفتار جهالت کسی شوم که شخصیتش پایین تر از من است، نفس خویش را باز می‌دارم از اینکه با نادانی او به مقابله برخیزد و اگر در خردمندی، مانند من و شأنش مطابق من باشد، با حلم و بردباری رفتار می‌کنم تا از مثل خود برتری جویم و از وی بالاتر باشم و اگر در فضیلت و خرد از او کمتر باشم، حق تقدم و فضل و برتری را به او می‌دهم و خودداری می‌نمایم.

۱. رک: صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۹۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۷۴.

۳. مناظره با منطق مورد قبول حریف

بهترین شیوه مباحثه علمی، به گونه‌ای است که بتوان با طرف مقابل به سخنی که خودش باور دارد، استدلال کرد. از همین رو، امام رضا (ع) با توجه به این که اگر برای غیر مسلمانان و پیروان دیگر ادیان، از قرآن استدلال شود، مورد پذیرش آنان قرار نخواهد گرفت، با آنان با منطق کتاب خودشان استدلال می‌کرد؛ زیرا طبیعتاً حجیت و حقانیت قرآن برای ایشان اثبات نشده است؛ چنانکه از کلام «جاثلیق» مسیحی نیز استفاده می‌شود که وقتی مأمون از او برای مناظره با امام (ع) دعوت کرد، در جواب گفت:

«كَيْفَ أَحَاجُ رَجُلًا يَحْتَجُّ عَلَيَّ بِكِتَابِ أَنَا مُنْكَرُهُ؛ چگونه با کسی مناظره کنم که با کتابی استدلال می‌کند که من آن را قبول ندارم.»

امام رضا (ع) در پاسخ فرمود: «يَا نَصْرَانِي فَاِنَّ احْتَجَجْتُ عَلَيْكَ بِانْجِيلِكَ أَتَقْرُّ بِهِ؟»^۱ یعنی من با انجیلی که به آن اقرار داری، مناظره می‌کنم.

این پیشنهاد و اعلام آمادگی امام رضا (ع) به گفت و گو با عالم مسیحی بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب، ضمن اینکه نشان گر توان مندی علمی امام (ع) و تسلط ایشان بر آموزه های اعتقادی ادیان و مکاتب مختلف است، از شیوه‌ای خاص در گفت و گو با عالمان ادیان دیگر حکایت می‌کند که بر اساس آن، باید ضمن احترام به عقاید، مقدسات و کتب آسمانی ایشان، با زبان، منطق و مکتب خودشان با آنها مواجه شده و آنان را قانع کرد.

«از این رو است که حضرت فرموده: من با اهل تورات به تورات‌شان، با اهل انجیل به انجیل‌شان، با موبدان به شیوه پارسی‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفت و گو به زبان های خودشان استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وامی‌دارم.»^۲

۴. مخاطب‌شناسی

مخاطب‌شناسی که از مهم‌ترین شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی به شمار می‌رود، موجب می‌شود انسان‌ها در تعامل با دیگران، میزان خرد آنها را سنجش کرده و به میزان

۱. صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق، باب ذکر مجلس الرضا (ع) مع اهل الادیان، ص ۴۲۰.

۲. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۶.

عقول مخاطبان و درک صحیح از تفاوت استعداد و توان وجودی انسان ها، با آنان بحث نمایند؛ زیرا سزاوار است هنگام بحث با برخی افراد، استدلال دقیق به کار برد و در مقابل، در مباحثه با افرادی که از دانش کمتری برخوردار هستند، باید ضمن پرهیز از ورود به مباحث پیچیده علمی و تخصصی، سطح بسیط و غیر عمیقی از مباحث را در پاسخ گویی به مشکلات فکری و عقیدتی آنان مورد توجه قرار داد.

بر همین اساس، می توان در شیوه استدلالی امام (ع)، توجه به ظرفیت مخاطبان و در نظر گرفتن فضای فکری و فرهنگی آنها را مورد لحاظ قرار داد؛ برای نمونه، شخصی از ثنویه (دوگانه پرستان) خدمت حضرت رسید و بر یکتایی وجود خداوند دلیل خواست. ایشان با توجه به میزان فهم و قدرت شناخت وی، به پاسخی اقتناعی اکتفا نموده و فرمود: «اینکه تو می گویی خداوند دو تا است، خود دلیل بر یکتایی است؛ زیرا تو «دومی» را نمی خوانی، مگر آنکه اولی را اثبات کنی. پس اولی، مورد اتفاق همگان بوده و دومی، محلّ اختلاف است.»^۱ همان طور که دیده می شود، آن حضرت در این استدلال به اثبات خدای واحد اکتفا نموده، خدای دوم را در مرحله شک و امی نهد و آن را نفی نمی کند. طبیعی است که این استدلال، صرفاً جنبه اقتناعی داشته و این نیست، مگر همان «مخاطب شناسی» و رعایت ظرف فکری مخاطب.

ب- رفتار به عنوان مربّی

تربیت که فرایندی جهت کمک شخص مورد پرورش در راستای ایجاد تغییر تدریجی در ساحت های روحی و رفتاری به واسطه انسانی دیگر و به منظور دستیابی به کمال انسانی و اصلاح رفتارهای آدمی است، اصولاً از سوی افرادی صورت می پذیرد که دارای برجستگی های روحی بوده و دغدغه کمال و سعادت مردم را داشته باشند.

مقتضای تربیت افراد، گاهی در قالب موعظه صورت می پذیرد؛ زیرا موعظه، بیانی است که نفس شنونده را نرم کرده و قلب او را به رقت می آورد. گاهی نیز موعظه در قالب رفتار صورت می پذیرد. البته سیره عملی و رفتار شخصی فرد مربّی، اثربخش تر و مؤثرتر از گفتار و توصیه زبانی او می باشد. از این رو، امام صادق (ع)، مربّیان جامعه را به دعوت عملی فراخوانده است:

۱. صدوق، محمد بن علی، التوحید، پیشین، ص ۲۷۰.

«كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»^۱ مردم را با غیر زبان تان دعوت و تبلیغ کنید.»

امام رضا (ع) مانند سایر اهل بیت (ع)، تربیت و ارشاد مردم را سرلوحه رفتارهای خویش قرار می‌داد و روایات بسیاری در خصوص بازداشتن مردم از بدی‌ها و ضرورت رویکرد آنان به امور خیر از آن حضرت وجود دارد. از این رو، در زیارت آن حضرت چنین می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ اَلْإِمَامُ اَلْهَادِي وَ اَلْوَلِيُّ اَلْمُرْشِدِ»^۲ گواهی می‌دهم که تو پیشوای هدایت کننده و ولی ارشادکننده هستی.»

گفتنی است که عمده‌ترین رویکرد تربیتی آن حضرت را باید در رفتار عملی‌شان مشاهده کرد. این رویکرد تربیتی، مشتمل بر رفتارهای متفاوتی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. رویکرد تربیتی - الگویی

این رویکرد، به معنای تربیت‌پذیری افراد بر اساس منطق الگوگیری از رفتار مربی است و میزان مقبولیت وی، موجب تأثیرگذاری او در افرادی که به ایشان علاقه‌مند هستند، می‌شود. امام رضا (ع) که در میان مردم و با آنان می‌زیست، اسوه رفتار مطلوب در جامعه بود و از این رو، با رفتار خویش به مردم گونه مطلوب زندگی را می‌آموخت. «محمد بن ابی‌عباد می‌گوید: فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان پلاس بود. لباس او [در خانه] درشت و خشن بود؛ اما هنگامی که در مجالس عمومی شرکت می‌کرد، لباس‌های خوب و متعارف می‌پوشید و خود را می‌آراست.»^۳

۲. رویکرد تربیتی مبتنی بر امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، در قرآن و روایات، محور مباحث دینی قرار گرفته است. در برخی آیات، ایمان به خدا و انجام این دو فریضه، دلیل برتری امت اسلامی ذکر شده است:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۷۷.

۲. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، پیشین، زیارت امام رضا (ع).

۳. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۹۰ق، ص ۳۲۸. «كَانَ جُلُوسُ الرُّضَا (ع) عَلَى حَصِيرٍ بِالصَّيْفِ وَعَلَى مِسْحٍ فِي الشَّتَاءِ وَلَبَسَهُ اَلْغَلِيظَ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ.»

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^۱
شما، بهترین امت هستید که برای مردم به وجود آمدید؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.»

نقل شده است که روزی امام رضا(ع) با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و سخنان بسیاری بین امام(ع) و حاضران رد و بدل شد؛ تا اینکه اذان ظهر فرارسید و امام با اعلام اینکه وقت نماز است، مناظره را قطع و دیگران را به نماز اول وقت فراخواندند. یکی از حاضران که عمران نام داشت، ضمن اظهار نارضایتی گفت: شاید اگر سخنان تان را ادامه دهید، مسلمان شوم. اما ایشان با تأکید بر انجام فریضه نماز اول وقت، انجام آن را در اولویت قرار دادند.^۲

طبیعی است که این رفتار، موجب فهم دیگران برای انجام فریضه نماز اول وقت شده و این رفتار امام(ع)، در ذهن مردم تأثیری دو چندان می گذاشت.

۳. برخورد مؤثر و سازنده

امام حسن عسکری(ع) فرمودند: هنگامی که ولایت عهدی از سوی مأمون به امام رضا(ع) تفویض شد، یکی از دربانان مأمون وارد شد و گفت: گروهی که خود را شیعه امام علی(ع) می نامند، جلو خانه ایستاده و اجازه دیدار می خواهند. امام(ع) تا دو ماه متوالی به آنان اجازه دیدار نداد؛ تا اینکه آنان توسط دربان به حضرت پیغام دادند اگر شما را دیدار نکنیم، هنگام بازگشت به وطن نزد مردم سرافکننده خواهیم شد. امام(ع) گرچه به آنان اجازه دیدار داد، اما با آنها برخورد سردی نمود. وقتی آنان از دلیل این نوع برخورد حضرت سؤال کردند، امام(ع) رفتار آنها را سبب این قضیه اعلام کرده و فرمود: شما ادعا دارید که از شیعیان امیر مؤمنان(ع) هستید؛ در حالی که شما در بیشتر کارهای خویش با علی(ع) مخالفت نموده و در باره بیشتر واجبات و حقوق برادران دینی خود کوتاهی می نمایید. بدانید اگر ادعای شما توسط رفتارتان تأیید نشود، هلاک خواهید شد؛ هرچند این علاقه و محبت نسبت به علی(ع)، برای شما ارزنده است.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲. خسروی، موسی، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، ترجمه جلد ۴۹ بحار الأنوار، تهران: نشر اسلامیه، ۱۳۸۰ش، ص ۱۰۲.

آنان در همان لحظه استغفار کردند و این عمل امام(ع)، درسی تربیتی برای بازگرداندن آنها به اصول و ارزش‌های اسلامی بود. سپس حضرت با عنایت به اینکه آنان شصت بار به در خانه امام آمده بودند، به دربان خود فرمود: اینک شصت بار نزد آنان برو و سلام مرا به آنها ابلاغ نما؛ زیرا خداوند به سبب استغفار، از گناهان آنان درگذشت. پس نسبت به آنان و خانواده‌های‌شان، کمک مالی کرده و هدایایی بخشید.^۱

ج- رفتار به عنوان مدیر

از جمله اموری که می‌تواند در جهت الگوی رفتار جمعی مورد توجه قرار بگیرد، چگونگی رفتار یک فرد در جایگاه مدیریت بخشی از جامعه است؛ زیرا مدیریت مطلوب، تنها در صورتی محقق می‌شود که مدیر بتواند با ارائه رفتارهای اجتماعی مطلوب، پذیرش فراگیر نزد افراد تحت مدیریت خویش بیابد. بنابراین، بخش عمده‌ای از این گونه رفتارهای اجتماعی را می‌توان در سیره امام رضا(ع) مشاهده کرد که الگوی خوبی برای مدیران و رفتارهای مدیریتی به شمار می‌رود.

۱. برنامه‌ریزی

از جمله اموری که می‌تواند در راستای مدیریت کلان یک مدیر مؤثر باشد، برنامه‌ریزی برای زندگی مردم است. از این رو، امام رضا(ع) در ارشادها و راهنمایی‌های خود به مردم می‌کوشید نظام‌مندی را در زندگی مردم حاکم سازد. پس برنامه‌ریزی و تدبیر معیشت و تعیین برنامه زندگی برای مردم را می‌توان از فعالیت‌های اجتماعی امام رضا(ع) ارزیابی کرد. موارد ذیل، از جمله دستورات آن حضرت برای برنامه سلوکی افراد مؤمن است که علاوه بر نظم در امور زندگی، دنیا و آخرت را توأمان مد نظر قرار داده است:

۱. بخشی از امور زندگی باید در ارتباط و راز و نیاز با خداوند صرف شود.
۲. بخشی دیگر برای امور معاش و گذران زندگی تنظیم گردد.
۳. بخشی از زندگی برای معاشرت با دوستان مورد اعتماد که یادآور عیوب دوست خود بوده و در باطن با آنان اخلاص می‌ورزند، قرار داده شود.

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۴۰.

۴. و بخشی دیگر از زندگی باید برای بهره‌گیری از لذات مشروع قرار داده شود؛ زیرا با استفاده از این اوقات است که افراد، قادر به تلاش در زمان‌های دیگر هستند.^۱

۲. مشورت

از شایسته‌ترین اموری که مدیر باید آنها را رعایت نماید، عدم استبداد به رأی و مشورت با دیگران برای دست‌یابی به راهکارها و تصمیم‌های مناسب جهت تدبیر امور است.

بر همین اساس، امام رضا(ع) با اهل منزل، برخی دوستان و حتی با بعضی غلامان و خدمت‌گزاران مشورت می‌کرد؛ به عنوان نمونه، از معمر بن خلاد نقل شده: «هنگامی که یکی از غلامان امام رضا(ع) درگذشت، امام(ع) به من فرمود: فردی با فضیلت و امانت‌دار را به من معرفی کن. با شگفتی اظهار داشتم: چگونه من کسی را به شما معرفی نمایم، در حالی که شما دانای به همه امورید. امام(ع)، مشورت پیامبر(ص) را مورد اشاره قرار داد و فرمود: رسول خدا(ص) با یارانش مشورت می‌کرد. آنگاه در باره آنچه می‌خواست، تصمیم می‌گرفت.»^۲

امام رضا(ع) در خصوص مطلوب بودن این سیره اجتماعی، از پدر بزرگوارشان یاد کرده و می‌فرمودند:

«با اینکه عقل او بر تمام مردم برتری داشت و هیچ عقلی با او برابری نمی‌کرد، با این حال، در بسیاری از وقت‌ها با یکی از غلامان سیاه‌پوست خود مشورت می‌کرد. به آن حضرت گفته شد: آیا با چنین کسی مشورت می‌کنی؟ در پاسخ فرمود: چه بسا خدای بلندمرتبه مشکلی را با زبان چنین شخصی برطرف نماید. بسیاری از اوقات، در باره مزرعه یا باغ، آن حضرت را راهنمایی می‌کردند و ایشان بدان پیشنهادها عمل می‌کرد.»^۳

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، پیشین، ص ۴۰۹.

۲. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۰۱.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۵.

۳. رفتار شایسته با زیردستان

بسیاری از مدیران با فرصت‌طلبی از جایگاه مدیریتی خویش، زیردستان را بردگان خود فرض کرده و آنها را استثمار می‌کنند؛ اما اهل بیت (ع) همواره والاترین رفتارهای انسانی را با زیردستان داشته و دیگران را نیز به این روش توصیه می‌کردند. از همین رو، امام رضا (ع) گاهی یکی از غلامان را برای انجام کاری فرامی‌خواندند. هنگامی که گفته می‌شد: مشغول غذا خوردن است، می‌فرمود: بگذارید غذایش را بخورد، بعد برخیزد.^۱

یاسر، خادم آن حضرت (ع) نقل می‌کند که به ما فرمود: «إِنْ قُمْتُ عَلَى رِءُوسِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَأْكُلُونَ فَلَا تَقُومُوا حَتَّى تَفْرَعُوا؛^۲ اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید.» آن حضرت ضمن به رسمیت شناختن ساعاتی خاص برای زیردستان، نظم در امور آنان را مد نظر قرار داده و می‌کوشیدند در هنگام استراحت، عبادت یا غذا خوردن غلامان و زیردستان، آنان را به کار نگیرند.^۳

د- رفتار در جایگاه خویشاوند

امام رضا (ع) اهتمام خاصی نسبت به تربیت اعضای خانواده خویش داشته و در اوقاتی که فرصتی فراهم می‌آمد، آنها را گرد هم جمع کرده، صمیمانه با آنها سخن می‌گفت و اسباب هدایت‌شان را فراهم می‌نمود: «كَانَ الرَّضَا (ع) إِذَا كَانَ خَلًا جَمَعَ حَسَمَهُ كُلَّهُمْ عِنْدَهُ الصَّغِيرَ وَ الْكَبِيرَ فَيُحَدِّثُهُمْ وَ يَأْتِسُ بِهِمْ وَ يُؤْنِسُهُمْ؛^۴ هر گاه امام تنها می‌شد و از مسائل روزمره فارغ می‌گردید، اعضای خانواده و اطرافیان را گرد می‌آورد، با آنان سخن می‌گفت و انس و الفت می‌گرفت.» در عین حال، ایشان جدا از روابط خویشاوندی، ارتباط با بستگان را بر محور حق و حقیقت برقرار می‌نمود؛ به گونه‌ای که ضمن گرامی داشتن خویشاوندان شایسته خود،

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۶، ص ۲۹۸.

۲. همان.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۹، ص ۱۰۲.

۴. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۹.

آنان را مورد شفقت و مهربانی قرار می‌داد و اگر در یکی از بستگان خویش، خلاف و انحرافی در مسائل اخلاقی یا اعتقادی می‌دید، به او تذکر داده یا انتقاد می‌کرد و رابطه خویشاوندی باعث نمی‌شد آن حضرت، از امر به معروف و نهی از منکر خودداری کند. یاسر، خادم آن حضرت می‌گوید: زید، برادر امام رضا (ع) در مدینه خروج کرد و دست به کشتار و آتش‌سوزی خانه‌های بنی‌عباس زد. از این جهت، به «زید النار» معروف بود. وقتی او را دستگیر کردند و نزد امام رضا (ع) بردند، حضرت به او فرمود: انتساب به مادرمان حضرت زهرا (ع) موجب نمی‌شود گناه کنی و انتظار داشته باشی که وارد بهشت شوی. زید گفت: من، برادر تو هستم. حضرت فرمود: تو تا وقتی برادر منی که خدای متعال را اطاعت کنی. درست مانند فرزند نوح (ع) که خداوند فرمود: «او از خاندان تو نیست؛ او عمل غیر صالح است»^۱ و خداوند او را به دلیل معصیتش از خاندان نوح اخراج کرد.^۲

هـ رفتار با میهمانان

میهمان‌نوازی که در همه جوامع، سنتی نیک به شمار می‌رود، موجب می‌شود که مردمان با یکدیگر مهربان بوده، نسبت به هم سخاوت ورزیده و ایثار روا دارند. از همین رو، دین اسلام ضمن تأکید بر این روش پسندیده، حرمت نهادن به میهمان و تکریم جایگاه وی را مورد عنایت قرار داده است.

امام رضا (ع) ضمن اینکه غذا خوردن به‌تنهایی را خوش نمی‌داشت و سفره اطعام ایشان همواره گسترده بود، حضور همه افراد از رنگ و نژادهای مختلف را مورد توصیه قرار می‌داد. مردی از اهل بلخ روایت می‌کند که:

در سفر خراسان، امام رضا (ع) روزی سفره غذا طلبید و همه غلامان از سیاه و سفید را دعوت کرد و در پاسخ به درخواست یکی از همراهان خود مبنی بر گستردن سفره مجزاً برای غلامان، فرمود: ساکت باش! همانا خداوند و پدر و مادر همه ما، یکی است و شایستگی هر کس، به مقدار کردارش است.^۳

۱. سوره هود، آیه ۴۶: «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ.»

۲. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۴.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۸، ص ۲۳۰.

اهتمام به میهمان، در منطق و رفتار امام رضا(ع) به گونه‌ای است که علاوه بر پذیرایی، امنیت و آسایش روانی میهمانان را نیز مد نظر قرار داده و از این رو، حتی در زمانی که آن حضرت، مسموم شده و در معرض شهادت قرار داشتند، پس از آنکه نماز ظهر را به جای آوردند، از وضعیت میهمانان خویش که گویا جویای سلامتی ایشان بودند، پرسیده و ضمن اینکه خود بر سر سفره نشستند، مردم را نیز به سفره غذا دعوت کرده و یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار دادند. هنگامی که همگان غذای خود را خوردند، از فرط مسمومیت بیهوش شدند.^۱

تکریم شخصیت و جایگاه میهمان، مقتضی آن است که اسباب آسایش و راحتی او فراهم شده و دچار کمترین زحمتی نشود. در منطق رفتاری امام رضا(ع) مشاهده می‌شود که ایشان راضی به خجالت میهمان خود نشده و در حالی که هیبت امام(ع) مانع می‌شد که میهمان، طلب آب نماید، ایشان با علم به این قضیه، خود، طلب آب نموده و میهمان را نیز به نوشیدن آب دعوت می‌نمود.^۲ از این رو، امام رضا(ع) به کارگیری میهمان برای کار منزل را ناخوشایند دانسته و به مهمانی که شبی در محضر ایشان بود و پس از کم‌نور شدن چراغ، در صدد اصلاح آن برآمده بود، فرمود: ما مردمی هستیم که از مهمان خود کار نمی‌کشیم. بنابراین، ایشان را از این کار بازداشته و خود به اصلاح چراغ پرداختند.^۳

امام رضا(ع) در خصوص فرد دیگری که میهمان آن حضرت بوده و جهت پرسش سؤال تا پاسی از شب در محضر آن حضرت مانده بود، امنیت وی را مد نظر قرار داده و از وی دعوت کردند که به دلیل خطرات احتمالی در نیمه شب، برای خواب در آنجا بمانند. از همین رو، ایشان بستر خواب را برای میهمان گسترانیدند، شخصاً ملحفه و لحاف بر وی افکنده و برایش دعا کردند. جالب است وقتی میهمان از این که مورد محبت ویژه امام رضا(ع) قرار گرفت، به غرور دچار شد، امام(ع) با درک این معنا، بازگشته و به وی در این خصوص هشدار داده و او را به تقوا و دقت در اعمالش فراخواند.^۴

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۹، ص ۲۹۹.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۱۰۲.

۴. همان، ص ۳۷ - ۳۶.

